

نابسامانی فردی

معضل جوامع در حال گذر^(۱)

جواد اسلامی فارسانی

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی

شهرام حیدری

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

چکیده

شیوه‌های احساس، عمل و اندیشه انسان، تا حد زیادی تحت تأثیر جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. این جامعه در فرآیندی کند، سایه‌وار در حال حرکت است و تطابق با این سیر، اغلب به صورت تکرار و عادت درمی‌آید؛ اما گاهی بروز تغییرات سریع و ناگهانی، چهره این حرکت تدریجی را یکباره دگرگون می‌کند و تاب و توان بسیاری از اعضای جامعه را برای تطابق با شرایط جدید می‌گیرد. اندیشمندان جامعه‌شناس به این وضعیت «نابسامانی» می‌گویند که در بعد فردی آن، با احساسات مهمی از جمله: بی‌اعتمادی، ناتوانی، بدبینی، ناامیدی نسبت به آینده و ... همراه است.

در این مقاله، برای تدوین الگوی تبیینی نابسامانی فردی، از نظریه‌های مهم نابسامانی در قلمرو جامعه‌شناسی و از برخی نظریه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی استفاده شده و چارچوب نظری تحقیق، تدوین گردیده، سپس با استفاده از روش پژوهش پیمایشی، همراه با پرسشنامه، در نمونه‌ای به حجم ۱۹۵ نفر، اطلاعات تحقیق گردآوری شده است. نتایج به دست آمده در دو دسته جدول توصیفی و تبیینی تنظیم گردیده و در تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از جدولهای توافقی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است؛ در نتیجه هشت فرضیه از ده فرضیه تحقیق، تأیید و دو فرضیه با متغیرهای مستقل «بعد خانوار» و «مدت اقامت در محل» رد شد.

کلیدواژه‌ها: نابسامانی فردی، قشر اجتماعی، انتظارات.

مقدمه

نظام اجتماعی ایران، طی نیم قرن اخیر شاهد بروز و ظهور پدیده‌هایی از جمله، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، مدرنیزاسیون و به تبع آن افزایش کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، امکانات حمل بار و مسافر، وسایل ارتباط جمعی و تعمیم استفاده از آن، فرآیندهای بین‌المللی، جهانی شدن و ... بوده است. چنین تحولاتی موجب کنده شدن نظام اجتماعی از شکل مرسوم و حرکت به سوی تقسیم کار مبتنی بر تخصص و به اصطلاح مدرن، در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گردید. در این گذار، جامعه در حالت انتقال قرار گرفت؛ بدین نحو که نو کاملاً به ثمر ننشسته و کهنه نیز هنوز تلفیق یا تعدیل نشده بود. در طی دوره انتقال، جامعه با چالشهایی مواجه می‌شود که جامعه‌شناسان این وضعیت را در اصطلاح نابسامانی^۱ می‌نامند. نابسامانی، وضعیتی است که در آن رفتارها استاندارد نیست؛ بسیاری از مردم خطوط راهنمای رفتاری را در این وضعیت نمی‌پذیرند و احتمالاً با تناقضها و تفاوتهایی در گزینش و به کارگیری رشته‌ای از ارزشها و هنجارها روبه‌رو می‌شوند که آنها را دچار گیجی و آشفتگی می‌کند. (جانستون، ۱۹۹۴: ۱۷ - ۱۸) در این شرایط، از یک سو آرزوها و انتظارات افراد بالا می‌رود، اما از سوی دیگر امکانات و وسایل نیل به اهداف و انتظارات به همان سرعت توسعه نمی‌یابد؛ در نتیجه، این اوضاع و احوال به افراد فشار می‌آورد تا با توسل به شیوه‌های مختلف و بدیل‌های متنوع به اهداف خود برسند که اغلب این شیوه‌ها^۲ مورد قبول جامعه نیست. در این شرایط، عده اندکی به اهداف خود می‌رسند و موجب رشک دیگران می‌شوند و عده‌ای دیگر، به ورطه ناامیدی، بی‌قدرتی، نارضایتی و غیره کشانده می‌شوند. به این دلیل هر روز شاهد معضلاتی مانند اختلاس، رشوه، صدور چکهای بی‌محل، کلاهبرداریها، نزاعهای دسته‌جمعی، ورشکستگی در اقشار مختلف، اختلافات

ملکی و خانوادگی، اعتیاد در گروه های مختلف سنی، خودکشی و ... هستیم که خود نشانه‌ای از وجود نابسامانی و آشفتگی اجتماعی است و با اختلافاتی در شدت و درجه، در تمام کشور، بخصوص در نقاط شهری، شیوع می‌یابد و تمام افراد جامعه از مردم تا مسئولین را به ستوه می‌آورد؛ بنابراین همه خواستار شناخت دلایل بروز این مسائل و ارائه راه‌حلهای عالمانه و مبتنی بر تحقیق، برای حل این مسائلند.

در این مقاله با ترکیب تئوریهای جامعه‌شناسی نابسامانی و آسیب‌شناسی اجتماعی^۱، الگویی تحلیلی برای تبیین نابسامانی فردی (در قالب چارچوب نظری و مدل تحلیلی تحقیق) تدوین گردیده و با استفاده از نتایج اخذ شده از پیمایشی - که مطابق این الگو در شهر فارسان (در استان چهارمحال و بختیاری) صورت گرفت - به توصیف، تحلیل و نهایتاً ارائه راه‌حلهای معتبر و عینی برای اصلاح و پیشگیری از نابسامانی پرداخته شده است.

نابسامانی اجتماعی در نگاه دورکیم

دورکیم جوامع را به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می‌کند که همبستگی اجتماعی^۲ در این دو جامعه، به ترتیب حالت مکانیک و ارگانیک دارد و موجب انسجام و تعادل رابطه فرد و جامعه می‌شود. وی خصایص دو جامعه مزبور را به شرح ذیل برمی‌شمارد:

در جامعه سنتی، تراکم جمعیت و تراکم اخلاقی (شمار تعاملات بین افراد) پایین است؛ تقسیم کار ساده و بر سن و جنس مبتنی می‌باشد؛ حقوق از نوع کیفری و تنبیه‌خاطی است و همبستگی مکانیک بر همانندی شیوه‌های احساس، عمل و اندیشه مبتنی است. در این جوامع، فرد در جمع ذوب می‌شود.

در جامعه مدرن، تراکم جمعیت و تراکم اخلاقی بالاست، تقسیم کار پیچیده و مبتنی بر تخصص است؛ حقوق از نوع ترمیمی و مبتنی بر جریمه نقدی می‌باشد و همبستگی ارگانیک بر تفاوت‌پذیری مبتنی است. در این جوامع، میزان استقلال فردی بسیار زیاد می‌باشد.

دورکیم، نوع سومی از جوامع را تحت عنوان جامعه در حال گذر نام می‌برد که از هر دو نوع جامعه پیشین، خصوصیتی را به تناسب رشد خود اخذ کرده است. در این جامعه، مردم تا حدودی از الگوهای سنتی زندگی فاصله می‌گیرند و به الگوهای جدید زندگی، به طور کامل توسل نمی‌جویند؛ زیرا این الگوهای غیربومی، هنوز به فرهنگ تبدیل نشده‌اند و مردم آنها را درک نمی‌کنند. بنابراین ارزشها و هنجارهای مدرن نیز هنوز به طور کامل، به ثمر ننشسته است؛ در نتیجه شیوه‌های احساس، عمل و اندیشه مشخص نیست و افراد در شناخت حق، تکلیف و نقشهایی که در جامعه ایفا می‌کنند، سردرگم می‌شوند. پس الگوهای عمل و هنجارهایی که مردم بدان وسیله با هم ارتباط و تعامل می‌یابند، شفاف نیست. در این وضعیت، فرد با شرکت در گروه‌ها ارضا نمی‌شود؛ در نتیجه رابطه و پیوندهای استوار فرد با جامعه سست می‌شود. دورکیم این وضعیت را نابسامانی می‌نامد.

دورکیم در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» از زاویه‌ای دیگر، نابسامانی را مفهوم پردازی کرده است: در این کتاب، نابسامانی به قواعد نامتوازن برای کنش متقابل - که بر روی مقتضیات کارکردی در نظام تقسیم کار تأکید می‌کند - اشاره دارد. لذا تقسیم کار نابسامان شامل خصوصیات آسیب‌شناسانه و مناسبات کارکردی نامتوازن در بخشهای تخصصی ساختار اقتصادی است و به انواع زیر تقسیم می‌شود:

رشد سریع و وسیع تقسیم کار؛

تقسیم کار اجباری؛

نداشتن فعالیت کافی برای هر کارمند در اداره. (لوکس، ۱۹۹۳: ۸۰).

دورکیم در کتاب «خودکشی»^۱ نابسامانی را به ناتوانی هنجارهای اخلاقی برای اعمال نظارت اجتماعی ربط داده و بر تعهدات اجتماعی تأکید کرده است. وی در این کتاب، خودکشی ناشی از نابسامانی را حاصل شیوع هنجارهای نامتوازن در جامعه می‌داند و با تشریح این نوع نابسامانی، آن را به خصوصیات آسیب‌شناسانه ذهن فرد مربوط می‌کند که به وسیله جامعه تنظیم نشده و از ناخوشی آرزوهای دور و دراز رنج می‌برد. لذا در مجموع، نابسامانی اجتماعی را عدم انسجام هنجاری^۲ در درون نظامهای اجتماعی می‌شمارد و منابع را آن در سه دسته زیر خلاصه می‌کند:

تناقض بین ارزشها و هنجارهای یک جامعه؛

ناتوانی نظام اجتماعی در انعکاس ارزشها و هنجارهای اجتماعی به افراد؛

کمیت و شدت تضاد بین گروه‌ها و سازمانها با اهداف مختلف در جامعه. (لوکس،

۱۹۹۳: ۳۰)

دورکیم می‌گوید: وجود هر یک از منابع فوق به تنهایی یا در کنار هم می‌تواند موجب بروز اختلال اجتماعی و ظهور نوعی از خودکشی، تحت عنوان خودکشی ناشی از نابسامانی شود.

در مجموع دورکیم مکانیسم بروز و ظهور این حالت را چنین تشریح می‌کند: خودکشی ناشی از نابسامانی، در شرایطی رخ می‌دهد که با تغییرات سریع و ناگهانی، قواعد اخلاقی و حقوقی جامعه فرومی‌باشد و نظم مستقر از بین می‌رود. بنابراین از یک طرف ثروتها به نمایش درمی‌آید و مقایسه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد و کسانی که از این مواهب بهره‌مند نیستند (قشر پایین و متوسط) در مقابل قشر بالا احساس نابرابری و نیاز می‌کنند. از طرف دیگر، با از بین رفتن نظم و ترتیب موجود توازن بین نقشها و

استعدادها (بحشی که تحت عنوان شایسته‌سالاری و کار را به کاردان دادن، مطرح می‌باشد) و نیز تعادل بین درآمدها و نیازها مضمحل می‌شود؛ افراد از نقش خود ناراضی و آن را موقتی می‌انگارند؛ احساس نیاز برای پیشرفت و موفقیت فراگیر می‌شود؛ در نتیجه تلاشها افزایش می‌یابد، اما این تلاشها بی‌فایده و بی‌حاصل است. افراد به آینده امیدوارند، اما با شکستهای پی در پی، امیدها هم به یأس تبدیل می‌شود؛ شکستها و محرومیتها غیرقابل تحمل می‌شود؛ احساس ناکامی و نارضایتی اوج می‌گیرد و در نهایت، افراد به دام خودکشی و دیگر آسیبهای اجتماعی کشانده می‌شوند.

تئوری آنومی، رابرت. کی. مرتون^۱

مرتون می‌نویسد: دورکیم راهنمایی روشمند و صریحی برای نابسامانی ارائه نکرده است تا بدین وسیله نابسامانی و فساد مناسبات اجتماعی را قابل مشاهده و سنجش گرداند؛ لذا ضرورت دارد این نقص برطرف شود و تئوری نابسامانی در تحقیقات تجربی متمرکز گردد. مرتون، شکاف^۲ بین ساختار فرهنگی (که اهداف، آرزوها و انتظارات افراد را شکل می‌دهد) و ساختار اجتماعی را (که وسایل مشروع نیل به اهداف را تعیین می‌کند) عمده‌ترین عامل فشار بر افراد برای انحراف و گسیل جامعه به گرداب نابسامانی می‌داند (مرتون: ۱۹۶۸: ۲۱۸) مرتون می‌نویسد: فرضیه اصلی من، از منظر جامعه‌شناختی این است که رفتار نابهنجار^۳ را می‌توان نشانه ازهم‌گسیختگی بین آرزوهای معین فرهنگی و شیوه‌های ساختار شده اجتماعی در جهت رسیدن به این آرزوها دانست. (مرتون، ۱۳۷۴: ۴۳۴)

مرتون، مفهوم نابسامانی را از دورکیم اخذ نمود و روی گونه عینی آن متمرکز شد. وی می‌گوید، در جامعه‌ای که از نابسامانی رنج می‌برد، وجدان کاری کمتری وجود دارد و مردم به شانس، بخت و اقبال روی می‌آورند. مرتون جامعه آمریکا را مثال می‌زند و می‌نویسد: در این جامعه همه موفقیت پولی را پذیرفته‌اند، اما برای همه، بویژه اقلیت پایین جامعه، کمتر امکان دارد که بتوانند به موفقیت برسند؛ در نتیجه بستگی به اینکه اهداف یا وسایل یا هر دو را بپذیرند یا نپذیرند، پنج شیوه انطباق وجود دارد که عبارت است از:

همنوایی^۱: در این شیوه، اهداف فرهنگی‌ای که در جامعه تبلیغ می‌شود و وسایل دستیابی به آن، از جمله اشتغال در کاری آبرومند و کسب درآمد برای نیل به آن اهداف پذیرفته می‌شود. این شیوه که در میان پنج شیوه انطباق، شیوه‌ای انحرافی محسوب نمی‌شود، نشانگر وضعیت بسامان است.

نوآوری^۲: این شیوه، غالباً کنش افراد طبقات پایین اجتماع است. در این شیوه، اهداف پذیرفته می‌شود، اما وسایل مشروع برای دستیابی به آن اهداف رد می‌گردد و وسایل نامشروع، اما مؤثر دیگری برای دستیابی به اهداف پذیرفته می‌شود؛ برای مثال: در کشتی‌گیری برای پیروزی از فنون کارآمد، اما خطا، به صورت زیرکانه‌ای استفاده می‌گردد.

شعائرگرایی^۳: این شیوه، غالباً کنش افراد در طبقات متوسط به پایین اجتماع است در این شیوه، افراد اهداف فرهنگی موفقیت را نمی‌پذیرند، اما وسایل اجتماعی مقبول را به کار می‌گیرند؛ مانند کارمندی که ماشین‌وار، سرکارش می‌رود و به شیوه‌های انجام کار می‌چسبد، اما اهداف نهایی سازمان از نظرش پنهان می‌ماند.

انزواطلبی^۱: در این شیوه، هم اهداف و هم وسایل رد می‌شود و افراد به کنج خلوت می‌خزند؛ مانند کسانی که در گیر الکل، اعتیاد، فرار از خانه، ولگردی و ... می‌شوند.

شورشی^۲: در این شیوه، افراد اهداف و وسایل رانمی‌پذیرند، اما سعی می‌کنند آنها را با اهداف و وسایل دیگر جانشین کنند. به همین دلیل با اهداف و وسایل موجود می‌ستیزند؛ مانند باندهای شورشی و چریکی زیرزمینی.

تئوری پیوندهای اجتماعی^۳ تروس هیرشی

تروس هیرشی، در کتاب «علل بزهکاری» با تمرکز روی قیود اجتماعی، تئوری کنترل اجتماعی خود را ارائه داده است. وی می‌گوید: «قیود اجتماعی موجب پیوند فرد با بدنه ساختاری جامعه می‌شود و از افتادن وی به دام انحراف جلوگیری می‌کند. این قیود به دو دسته پیوندهای اجتماعی درونی و بیرونی تقسیم می‌شود» (پفوجل، ۱۹۸۵: ۱۶۳)

هیرشی با قرار دادن عنصر ایمان یا باورها^۴ در زمره پیوندهای اجتماعی درونی و قراردادن تعهد و مسئولیت^۵، مشغولیت^۶ و علاقه یا پیوستگی^۷، در زمره پیوندهای اجتماعی بیرونی، دو جزء اصلی پیوندهای اجتماعی را به شرح ذیل عملیاتی نموده است:

الف: پیوندهای اجتماعی درونی

باور: هیرشی معتقد بود که باورهای مبتنی بر قواعد و آداب و رسوم، موجب رفتارهای مشابه می‌شود و این را سیمای مرکزی کنترل اجتماعی می‌داند.

- 1- Retreatism
- 3- Social Bounding
- 5- Commitment
- 7- Attachment

- 2- Rebellion
- 4- Believe
- 6- Involment

ب: پیوندهای اجتماعی بیرونی

علاقه یا پیوستگی: یعنی قدرت پیوند فرد با دیگران. مردم علاقه دارند در نظر کسانی که با آنها معاشرت می کنند، خوب جلوه کنند؛ بنابراین روی آنها سرمایه گذاری می کنند تا احترام آنها را نسبت به خود بالا بردند و آن را یا حفظ کنند. به این منظور، هر چه بیشتر مطابق با رسوم و قواعد با مردم رفتار کنند. بیشتر با آنها رابطه برقرار می کنند، این خود باعث می شود که کمتر از قواعد منحرف شوند. (همان)

تعهد: هر قدر فرد مطابق با رسوم و قواعد، رفتاری پرهیزکارانه تر در برابر هموعانش در پیش گیرد، دیگران هم نسبت به وی رفتاری مشابه در پیش می گیرند و او نیز سود می برد؛ در غیر این صورت، مردم نیز با او رفتاری ناپرهیزکارانه در پیش خواهد گرفت و او متضرر خواهد شد. (همان)

مشغولیت: نسبت به زمان و انرژی ای که فرد روزانه در یک فعالیت آبرومندانه (مطابق با آداب و رسوم و قواعد) صرف کند، گذشت زمان لازم است تا پتانسیل انحراف در او افزایش یابد؛ در غیر این صورت زیاد بودن وقت فراغت یا بیکاری، موجب بالا رفتن پتانسیل انحراف می گردد. (همان)

هیرشی برای اندازه گیری تجربی تئوری خود، با انجام یک تحقیق پیمایشی در نمونه ای ۱۳۰۰ نفری در کالیفرنیا، موقعیت درونی تئوری خود را حمایت تجربی کرد و به این نتیجه دست یافت که سطح بالای پیوستگی، تعهد، مسئولیت و باورهای مشابه، با سطح پایینی از انحراف در ارتباطند. (همان)

تئوری نابسامانی فردی لئواسرول^۱

تئوریهای گذشته، صرفاً نابسامانی اجتماعی را تبیین نموده، اما به روشهایی که نابسامانی فردی را توصیف و اندازه‌گیری کند، اشاره‌ای نکرده‌اند. اسرول در سطح روانشناسی اجتماعی این نیاز را مرتفع نموده است. وی می‌گوید: نابسامانی فردی حالتی روحی و ذهنی است که موجب احساس ناامیدی، بی‌اعتمادی نسبت به افراد جامعه و مسئولان و جریان امور، بدبینی نسبت به وضعیت افراد عادی و معمولی و بی‌قدرتی می‌شود. وی این مقولات را عمده‌ترین مؤلفه‌های نابسامانی فردی معرفی می‌کند و با عملیاتی کردن این مفاهیم، پایایی آنها را در تحقیقات تجربی متعدد، آزموده و سرانجام، برای سنجش میزان فردی در جامعه، مقیاس استاندارد به نام آنومیا^۲ تدوین کرده است که در قسمت تصریح مفاهیم، اشاره‌ای بدان خواهیم داشت. مرتون درخصوص این مقیاس می‌نویسد: «بخشی از این مقیاس به تصورات انسانها از محیط اجتماعیشان و بخشی دیگر به پنداشت درونی افراد در خصوص جایگاهشان در این محیط اشاره دارد؛ لیکن اسرول هیچ‌گونه ترتیب و اولییتی برای مفاهیم فوق در نظر نگرفته و آنها را در این مقیاس به طور انباشته و هم‌وزن به کار برده است». (مرتون، ۱۹۶۸: ۲۱۸)

فرضیات

براساس مباحث مزبور و با توجه به ویژگی خاص جامعه آماری این تحقیق (سرپرستان خانوار) فرضیات زیر قابل تأمل است:

- ۱- بین قشر اجتماعی و نابسامانی فردی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛
- ۲- بین قشر ذهنی و نابسامانی فردی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛
- ۳- به موازات بالا رفتن انتظارات، نابسامانی فردی هم بالا می‌رود؛

- ۴- بین میزان دستیابی به انتظارات و نابسامانی فردی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛
- ۵- هر چه فرد شرایط کنونی زندگی‌اش را کمتر قابل تحمل بداند، بر میزان نابسامانی فردی‌اش افزوده می‌گردد؛
- ۶- بین میزان تعهد و مسئولیت و نابسامانی فردی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛
- ۷- به موازات بالا رفتن میزان تحصیلات، نابسامانی فردی نیز کاهش می‌یابد؛
- ۸- با افزایش میزان سن، میزان نابسامانی فردی نیز افزایش می‌یابد؛
- ۹- بین بُعد خانواری که فرد در آن زندگی می‌کند، و نابسامانی فردی وی ارتباط مستقیمی وجود دارد؛
- ۱۰- بین مدت اقامت فرد در محل و نابسامانی فردی وی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق، پیمایشی می‌باشد و جامعه آماری این تحقیق، عبارت بود از کلیه سرپرستان خانوار شهر فارسان که در سال ۱۳۸۰، ۹۱۱ نفر بوده‌اند. تعداد نمونه لازم برای حصول تعمیم نتایج به جامعه آماری (۹۵٪ اطمینان) براساس فرمول برآورد احتمالی نمونه کوکران: $n = \frac{(t_2 p q) + (t_2 p q)^2}{(d_2)^2 (N-1)}$ بوده است. (رفیع‌پور، ۱۳۷۰: ۳۸۳).

حجم نمونه ۱۹۴ نفر محاسبه شد. لیکن با توجه به اینکه در پژوهشهای موسوم به پیمایشی تعدادی از پرسشنامه‌ها به دلایلی از بی‌جوابی، الگوهای یکنواخت در پاسخدهی، جوابهای نامربوط و ... عملاً قابل استفاده نیستند، برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، تعداد دویست پرسشنامه توزیع شد و بعد از جمع‌آوری، پنج پرسشنامه حذف گردید و اطلاعات مربوط به ۱۹۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

همچنین روش نمونه‌گیری، به شیوه «خوشه‌ای چند مرحله‌ای» انجام شد. واحد تحلیل این تحقیق «فرد» و دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۹ تا ۷۵ سال در نوسان بود.

تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

الف) نابسامانی فردی: عبارت است از «حالتی فکری و درونی که موجب احساساتی از قبیل ناامیدی نسبت به آینده، بی‌اعتمادی نسبت به افراد جامعه، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان و جریان امور، بی‌قدرتی و بدبینی نسبت به وضعیت افراد عادی و معمولی، در فرد مبتلا می‌گردد». (دین^۱: ۱۹۶۹: ۵-۱۶۳).

این مفهوم به صورت طیف لیکرتی (پنج درجه‌ای) نمره‌گذاری شد و برای هر پاسخگو بر مبنای مؤلفه‌های موافقت یا مخالفت با هر یک از گویه‌های ذیل، یک نمره کل محاسبه گردید:

- میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از سؤالات ذیل مشخص کنید:

مهر و محبت دیرین از میان رفته و چنین به نظر می‌رسد که این وضعیت در تمام دوران زندگی ما ادامه خواهد داشت؛

امروزه شرایط به گونه‌ای است که آدم براحتی نمی‌تواند از فردایش مطمئن باشد؛

امروزه برخی مسئولان کشور، در قید مشکلات مردم معمولی نیستند؛

امروزه واقعاً نمی‌توان به کسی اعتماد کرد؛

پیش از این مردم خوشبخت‌تر بودند؛ زیرا هر کس بخوبی می‌دانست که دیگران از

او چه انتظاری دارند؛

احساس می‌کنم که در برابر اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد، کاری از دستم

برنمی‌آید؛

امروزه مردم آن قدر گرفتارند که آدم نمی‌تواند روی کمک دیگران حساب کند؛ برخلاف پاره‌ای از مردم، اوضاع و احوال خیلی از مردم عادی، روز به روز بدتر می‌شود.

ب) قشر اجتماعی: منظور از قشر اجتماعی در این تحقیق، گروه‌های وسیع اجتماعی‌ای هستند که از نظر کیفیت‌های مطلوبی همچون شغل، تحصیلات، درآمد و وسایل و امکانات رفاهی زندگی تا اندازه‌ای به هم نزدیک می‌باشند. این متغیر با سؤالات ذیل سنجیده شد:

شغل شما چیست؟

میزان تحصیلات شما چقدر است؟

از کدامیک از وسایل و امکانات زیر برخوردارید؟ اجاق گاز معمولی □ اجاق گاز
فردار □ چرخ خیاطی دستی □ تلویزیون سیاه و سفید □ تلویزیون رنگی □ ویدئو □
راديو ضبط □ یخچال □ فریزر □ موتورسیکلت □ تلفن □ چرخ گوشت برقی □
جاروبرقی □ آبمیوه‌گری □ ماشین لباسشویی □ تلفن همراه □ اتومبیل برای درآمد □
اتومبیل فقط برای رفاه □

ج) قشر ذهنی: عبارت است از تصور و پنداشت فرد از اینکه در چه قشری قرار دارد؛ به عبارت دیگر: رتبه و جایگاهی که فرد به نظر خودش در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی دارد، چیست؟ این پنداشت ممکن است با واقعیت تطابق داشته باشد که نمایانگر سلامت روحی فرد است؛ در غیر این صورت، فرد در وضعیتی نابسامان قرار دارد. این مفهوم با پرسشهای ذیل سنجیده شد:

- با توجه به هر یک از موارد زیر، خود را جز کدام گروه می‌دانید؟

از لحاظ شغلی: قشر پایین □ قشر متوسط □ قشر بالا □

از لحاظ درآمد: قشر پایین □ قشر متوسط □ قشر بالا □

از لحاظ تحصیلات: قشر پایین □ قشر متوسط □ قشر بالا □

از لحاظ وسایل و امکانات زندگی: قشر پایین □ قشر متوسط □ قشر بالا □

د) میزان انتظارات: میزان انتظارات مردم از کالاها، خدمات و شرایط زندگی مطلوبی

که خود را شایسته به دست آوردن آنها می‌دانند، با سؤالات ذیل سنجیده شد:

با توجه به شرایط و امکاناتی که در زندگی دارید، فکر می‌کنید اگر چه شغلی داشتید

بهتر بود؟

با توجه به شرایط و امکاناتی که در زندگی دارید، فکر می‌کنید اگر تا چه پایه ای از

تحصیلات درس می‌خواندید، بهتر بود؟

تصور می‌کنید اگر دارای چه لوازم و امکاناتی بودید، اکنون زندگی راحت‌تری

داشتید؟

ه) میزان دستیابی به انتظارات: تصور و پنداشت فرد از اینکه به کالاها، خدمات و

شرایط زندگی مطلوبی که خود را شایسته به دست آوردن آنها می‌دانسته، چیست؟ آیا به

این انتظارها رسیده است یا نه؟ این مفهوم با یک مقدمه و چهار گویه، به صورت طیف

لیکرتی سنجیده شد:

- در زندگی، هر کس آرزوهایی را در سر داشته است. برخی فکر می‌کنند به این

آرزوها رسیده‌اند؛ برخی خود را از رسیدن به آرزوها ناکام می‌دانند و برخی هم معتقدند

فقط به بعضی از آرزوهایشان رسیده‌اند. شما فکر می‌کنید:

۱- تا چه حد توانسته‌اید به شغل دلخواه خود دست یابید؟

بسیار زیاد □ زیاد □ متوسط □ کم □ خیلی کم □

۲- تا چه حد توانسته‌اید به درآمد موردنظر خود دست یابید؟

بسیار زیاد □ زیاد □ متوسط □ کم □ خیلی کم □

۳- تا چه حد توانسته‌اید به تحصیلات موردنظر خود دست یابید؟

بسیار زیاد □ زیاد □ متوسط □ کم □ خیلی کم □

۴- تا چه حد توانسته‌اید، امکانات رفاهی دلخواه خود را فراهم نمایید؟

بسیار زیاد □ زیاد □ متوسط □ کم □ خیلی کم □

و) میزان تحمل شرایط کنونی زندگی: پنداشت فرد از اینکه با وضعیت اقتصادی زندگی‌اش می‌تواند مدارا کند یا نه، چیست؟ کم و کاستی کالاها، خدمات و امکانات کنونی زندگی‌اش را قابل چشمپوشی می‌داند یا نه؟ این مفهوم به صورت طیف لیکرتی، با سؤالات زیر سنجیده شد:

روی هم رفته شما وضعیت اقتصادی زندگیتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این وضعیت تا چه حد برایتان قابل تحمل می‌باشد؟

ز) تعهد و مسئولیت: منظور از تعهد و مسئولیت، التزام به ارزشها و هنجارها و رعایت اصول ارزشی اخلاقی (انصاف و حق‌شناسی) و غمخواری برای دیگران (نوعدوستی) است که موجب می‌شود اولاً فرد اغراض و مقاصد دیگران را به رسمیت بشناسد و ثانیاً عملاً به آنها احترام بگذارد. (لیتل، ۱۳۷۳: ۹۹ - ۹۸ و توسلی، ۱۳۷۱: ۲۵۴) این مفهوم به مسئولیت شهری محدود گردید و با گویه‌های زیر سنجیده شد:

میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از سؤالات ذیل مشخص کنید:

مسئولیت عمده نگهداری، سرسبزی و تمیزی شهر به عهده ادارات و شهرداری است؛
 آسفالت کردن و کانال‌کشی نواحی قدیمی شهر، تلف کردن پول و سرمایه است؛
 هنگامی جامعه ما پیشرفت می‌کند که من به فکر کسب و کار خودم باشم و دیگران
 به فکر کسب و کار خودشان؛

بهبود و پیشرفت شهر خوب است؛ به شرطی که موجب افزایش مالیات‌ها نشود؛

در کارهایی که برای پیشرفت شهر می‌خواهد صورت گیرد، همکاری کردن یا
 همکاری نکردن من فرقی نمی‌کند.

ح) متغیرهای سن، بعد خانوار و مدت اقامت در محل، بدیهی می‌باشد و به تعریف نظری و عملیاتی نیاز ندارد. بعد از تهیه پرسشنامه، پیش‌آزمون انجام شد و پاسخها به وسیله آزمون تحلیل عوامل بررسی گردید؛ سپس برای هر متغیر، گویه‌هایی که بار اندکی داشت یا زیرعاملهای دوم آنها بیشتر وزن دار می‌شد، حذف و گویه‌هایی که زیرعامل اول با بیش از ۹۹٪ وزن دار شد، (شامل سؤالات و گویه‌هایی که در بخش تصریح و سنجش متغیرها ذکر شد) در پرسشنامه نهایی وارد گردید.

یافته‌های توصیفی

میانگین سنی پاسخگویان در این تحقیق ۳۹ سال بود که تقریباً نصف جمعیت (۴۷/۲ درصد) زیر ۳۵ سال بودند.

میانگین بعد خانوار پاسخگویان (تعداد افراد خانوار) در این تحقیق ۶ نفر بود که ۴۶/۲ درصد بعد خانوارشان کمتر از ۵ نفر، ۳۹/۵٪ بین ۶-۸ نفر و بقیه بالای ۹ نفر بوده است.
- از نظر شغلی^(۲): ۶۸/۲ درصد از افراد مورد بررسی، در مشاغل پایین و بسیار پایین، ۲۰ درصد مشاغل متوسط، ۱۱/۸ درصد در مشاغل بالا و عالی بوده‌اند.

- از نظر تحصیلات ۶۸/۱ درصد از افراد مورد بررسی، تحصیلاتی در حد راهنمایی و کمتر، ۲۳/۶ درصد تحصیلات متوسطه یا فوق‌دیپلم، ۱۴/۳ درصد دارای تحصیلات بالای لیسانس بوده‌اند.

- به لحاظ وسایل و امکانات رفاهی زندگی: تقریباً نصف افراد مورد بررسی در حد ۷ وسیله زندگی یا کمتر، ۳۷ درصد بین ۸-۱۲ وسیله و سایر افراد، بالاتر از ۱۳ نوع وسیله و امکانات رفاهی زندگی داشته‌اند.

- به لحاظ قشر اجتماعی: ۵۹/۵ درصد از افراد مورد بررسی در قشر پایین، ۲۳/۳ درصد در قشر متوسط و ۸/۲ درصد در قشر بالا بوده‌اند.

- به لحاظ شغل مورد انتظار: ۷۶/۴ درصد خواهان مشاغل متوسط یا پایین و حدود ۲۳/۶ درصد خواهان مشاغل بالا و عالی بوده‌اند.
- به لحاظ تحصیلات مورد انتظار: ۲۹/۸ درصد خواهان تحصیلات راهنمایی و پایین‌تر، ۲۸/۸ درصد خواهان تحصیلات متوسطه و فوق‌دیپلم و ۴۱/۴ درصد خواهان تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند.
- از نظر میزان تحمل افراد راجع به وضعیت کنونی زندگیشان (وضعیت اقتصادی): بیش از نصف افراد مورد بررسی، یعنی ۵۱/۳ درصد شرایط کنونی زندگیشان را کمتر قابل تحمل دانسته‌اند و از مابقی افراد ۴۱/۵ درصد به طور متوسط و ۷/۲ درصد وضع کنونی زندگیشان را بسیار قابل تحمل دانسته‌اند.
- به لحاظ وسایل و امکانات رفاهی مورد انتظار: ۶۹/۷ درصد خواهان وسایل و امکاناتی کمتر از ۷ نوع وسیله زندگی و ۳۰/۳ درصد خواهان وسایل و امکانات رفاهی بالاتر از ۷ نوع وسیله و امکانات رفاهی زندگی بوده‌اند.
- از نظر میزان انتظارات: ۲۵/۱ درصد انتظارات پایین، ۲۶/۷ درصد انتظاراتی در حد متوسط و ۴۸/۲ درصد میزان انتظارات بالایی داشته‌اند.
- از لحاظ دستیابی به انتظارات: بیش از نیمی از افراد مورد بررسی، یعنی ۵۱/۱ درصد تصور می‌کردند کمتر به انتظاراتی که داشته‌اند، دست یافته‌اند.
- از نظر تعهد و مسئولیت نسبت به دیگران: ۵۱/۸ درصد تعهد و مسئولیت پایین، ۳۸/۵ درصد تعهد و مسئولیت متوسط و ۹/۷ درصد تعهد و مسئولیت بالایی نسبت به دیگران داشته‌اند.
- از نظر میزان نابسامانی فردی: از کل افراد مورد بررسی ۲۱ درصد دارای نابسامانی فردی پایین، ۳۲/۸ درصد دارای نابسامانی متوسط و ۴۶/۲ درصد دارای نابسامانی فردی بالایی بوده‌اند.

آزمون فرضیات

جدول شماره (۱) خلاصه جداول توافقی (تبیینی)

نتیجه آزمون	آزمونهای آماری			متغیرهای مستقل و وابسته
	میزان خطا	درجه آزادی	مقدار رابطه	
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	-۰/۳۱۵	قشر اجتماعی
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	-۰/۲۵۰	قشر ذهنی
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	۰/۰۶۹	میزان انتظارات
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	-۰/۴۳۶	میزان دستیابی به انتظارات
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	-۰/۳۳۷	میزان تحمل شرایط کنونی زندگی
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	-۰/۳۳۷	میزان تعهد و مسئولیت
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	-۰/۳۸۴	میزان تحصیلات
پذیرفته شد	۰/۰۰۰	۴	۰/۳۳۸	میزان سن
رد شد	۰/۳۶۳	۳	۰/۱۶۵	بعد خانوار
رد شد	۰/۶۹۹	۳	۰/۱۶۸	مدت اقامت در محل

تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیر

پدیده‌های اجتماعی، چنان در هم تنیده‌اند که نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا و آن گاه اثر مستقل هر یک را سنجید. هر یک از این پدیده‌ها تحت تاثیر چندین عامل قرار دارد؛ بنابراین محقق مجبور است با توجه به الگوی نظری تحقیق، تعدادی از عوامل مهم و تاثیرگذار را انتخاب و مطالعه نماید. بدین منظور در این تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون چند متغیری، تاثیر متغیرهای مستقل، به صورت یکجا و همزمان بر متغیر وابسته بررسی شده است تا مشخص شود که کدام متغیرها و با چه ضرایبی در یک ترکیب

خطی قادر به تبیین متغیر وابسته هستند. نتایج این آزمون در جدول ذیل (شماره ۲) مشاهده می‌گردد.

جدول شماره (۲) رگرسیون چند متغیری^(۳)

متغیر	ضریب همبستگی مرتبه صفر	اشتباه استاندارد	ضریب استاندارد رگرسیون	مقدار آزمون T	سطح معناداری T
۱- انتظارات	۴/۲۰۹	۰/۴۸۳	۰/۵۲۹	۸/۸۰۷	۰/۰۰۰
۲- قشر اجتماعی	-۲/۷۱	۰/۹۲۵	-۰/۲۰۲	-۲/۸۴۸	۰/۰۰۵
۳- میزان دستیابی به انتظارات	-۳/۵۴	۰/۱۲۴	-۰/۱۹۱	-۲/۸۶۶	۰/۰۰۵
۴- تحصیلات	-۰/۵۲	۰/۲۵۷	-۰/۱۴۳	-۲/۰۲۲	۰/۴۵۰
۵- تعهد و مسئولیت	-۰/۱۶۶	۰/۰۸۱	-۰/۱۲۲	-۲/۰۲۱	۰/۰۴۵
۶- میزان تحمل	-۰/۲۵۴	۰/۱۵۰	-۰/۱۰۶	-۱/۷۰۰	۰/۰۶۱

ضریب همبستگی چند گانه ۷۴ درصد، ضریب تعیین ۵۴ درصد، اشتباه استاندارد ۴/۵۴ درصد و سطح معناداری صفر می‌باشد.

نتایج مندرج در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چند گانه، معادل ۷۴ درصد می‌باشد. این ضریب مبین این مطلب است که شش متغیر مستقل تحقیق به طور همزمان ۷۴ درصد با نابسامانی فردی پاسخگویان همبستگی دارد. در ضریب تعیین به دست آمده، حدود ۵۴ درصد از تغییراتی که در میزان نابسامانی فردی سرپرستان خانوار مؤثر بوده، توسط ترکیبی خطی از شش متغیر فوق، توضیح داده شده است. آزمون F که میزان معناداری ضریب را اندازه گیری می‌کند، با مقدار ۳۴/۰۳۴ درصد از لحاظ آماری در سطح بسیار بالا معنی دار است ($P < ۰/۰۰۰$) نتایج آزمون «t» برای سنجش، معناداری هر یک از ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که کلیه شش متغیر مستقل تحقیق ارتباط معناداری با نابسامانی فردی پاسخگویان داشته و جهت رابطه نیز دقیقاً در راستای پیش‌بینی فرضیات تحقیق است.

یعنی این شش متغیر ارتباط معناداری با نابسامانی فردی پاسخگویان داشته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شش فرضیه مزبور مورد تایید تجربی قرار گرفته است. در واقع نتایج به دست آمده از این پژوهش همانهایی است که فرضیات تحقیق آنها را پیش‌بینی می‌کرد و بررسی تجربی، صحت نظریات ارائه شده را تایید کرد.

پیشنهادها و راهبردها

سه متغیر «انتظارات»، «دستیابی به انتظارات» و «میزان تحمل شرایط اقتصادی زندگی»، رابطه متقابلی با هم دارند: برای کاهش نابسامانی فردی یا باید انتظارات مردم را برآورده کرد تا به دنبال آن افراد تصور کنند به انتظاراتی که داشته‌اند، دست یافته‌اند و شرایط اقتصادی زندگی‌شان قابل تحمل است؛ و یا در صورت عملی نبودن امکان مزبور، باید از افزایش انتظارات جلوگیری نمود.

اگر با دیدی واقع‌بینانه، وضعیت موجود را نظاره کنیم، متوجه می‌شویم که با توجه به در حال توسعه بودن کشور، عدم به کارگیری اکثر پتانسیلهای رشد و توسعه - بخصوص در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و بازرگانی - و نیز افزایش نسبتاً زیاد جمعیت در طول این دو دهه که ظرفیتهای ساختاری عظیمی را برای اشتغال، رفاه و ... می‌طلبد، می‌توان گفت برآورده نمودن انتظارات، در درازمدت با مدیریت صحیح، تخصیص و توزیع برنامه‌ریزی شده منابع و نیز استفاده از ظرفیتهای انسانی و فیزیکی موجود، تا حدی امکانپذیر خواهد بود. اما تا حصول این فرایند، در آینده چه باید کرد؟

اولاً: تا سپری شدن دوران گذر و رسیدن سیستم به قابلیت‌هایی که بتواند به طور نسبی انتظارات افراد را برآورده کند، باید یا انتظارات را ثابت نگه داشت یا حداقل از افزایش فرایندها و نیازها و در نتیجه بالا بردن انتظارات جلوگیری کرد؛

ثانیاً: باید سعی شود که با مدیریت بهتر در امر تخصیص و توزیع منابع، بر امکانات مردم تا حدی موازی با انتظاراتشان افزود که این مورد اخیر در قسمت قشر اجتماعی عنوان می‌شود.

به نظر می‌رسد در مقابل مورد اول (برآورده کردن انتظارات)، در این برهه از زمان، مسئولین و دست‌اندرکاران وسایل ارتباط جمعی باید:

۱. با توسل به تحقیقات، با برنامه‌ریزی‌های سنجیده و در نظر گرفتن قدرت خرید مردم، بخصوص اقشار پایین جامعه، فرایند رو به تزاید تبلیغات را ساماندهی نمایند و از افزایش نیازهای کاذب مردم به وسیله آگهیهای بازرگانی و تبلیغاتی جلوگیری کنند.

۲. در مقابل ترویج ارزشهای مادی، به ترویج اقناع‌کننده ارزشهای فرامادی به گونه‌ای جذاب، استدلالی و گیرا که افراد را از درون به پذیرش وای دارد، پردازند.

علاوه بر در نظر گرفتن انتظارات که در بالا عنوان شد، به بخش سخت‌افزاری، یعنی امکانات نیز باید توجه کرد؛ زیرا با عنایت به توانایی و امکانات متنوع مردم، در سلسله مراتب قشر بندی در جامعه، اقشار از هم متمایز می‌شوند؛ لذا افزایش امکانات مردم با تهیه و تدوین برنامه‌های اقتصادی خاص، حمایت از اقشار پایین جامعه و جلوگیری از تورم و گرانی توسط مسئولین امر، از جمله راه‌های کم کردن شکاف بین انتظارات و امکانات است؛ زیرا با رفع مسائل حاد اقشار پایین جامعه، بخصوص مسائل مالی، می‌توان به وفاق ملی و انسجام اجتماعی بالاتر و در نتیجه کاهش نابسامانی فردی و اجتماعی و نیز تغییر انحرافات و مفاسد متعدد دست یافت.

آخرین مؤلفه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد، «تعهد و مسئولیت» است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر چه از تعهد و مسئولیت افراد نسبت به دیگران کاسته شود، به نابسامانی فردیشان افزوده می‌گردد. این نکته را می‌توان چنین تبیین نمود:

از یک طرف به علت گرفتاری برخی افراد جامعه در مسائل و مشکلات اقتصادی - بخصوص اقشار پایین - و از طرف دیگر تحت تأثیر چشم و هم‌چشمی‌ها، مقایسه‌ها و ارزش‌گذاریه‌های اجتماعی و در نتیجه، بالا رفتن انتظارات مردم، در درجه اول هر کس به فکر نجات خویشتن از گرداب حوادث است؛ بنابراین وقتی پای امور خصوصی و شخصی به میان می‌آید، فرد حاضر است از جانش هم بگذرد؛ اما در مقابل مسائل عمومی، از خود مسئولیتی اندک نشان می‌دهد. این امر در بلندمدت علاوه بر فراگیر شدن مشکلات جامعه، موجب کاهش همبستگی اجتماعی نیز خواهد شد.

برای ایجاد روحیه ایثار و احساس مسئولیت فراگیر در مردم ضرورت دارد:

- وضعیت اقتصادی مردم بهبود یابد؛

- فرایندهای نیازآفرینی کنترل و نظارت شود، و از سوی دیگر با دادن آموزشهای

لازم به مردم و القاء برنامه‌ریزی شده و هدفمند ارزشهای متعالی نظام، به وسیله سازمان‌های صنفی و مردمی واسط (NGOs) بر مشارکت اجتماعی و سیاسی گسترده مردم تأکید شود؛

- حل مسائل و اختلافات مردم با شیوه‌های ارتباطی و گفت‌وگویی و رسیدن به یک وفاق

کلی در زمینه‌های شهری و شهروندی و حوزه‌هایی که نیازمند ارتباط متقابل و همکاری جمعی است، می‌تواند به احساس مسئولیت مردم در قبال یکدیگر بیفزاید و بدین وسیله نابسامانی فردی و مسائل انحرافی را که از بارزترین جلوه‌های عینی وضعیت نابسامان است، تا حد زیادی کاهش بدهد.

یادداشتها

۱- این مقاله چکیده پایان نامه شهرام حیدری کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است که با همکاری آقای جواد اسلامی فارسانی به صورت مقاله مزبور تدوین گردیده است.

۲- در این تحقیق با توجه به تنوع و تکثیر مشاغل، میزان تحصیلات مورد نیاز برای تصدی آنها، میزان درآمد و ... ابتدا مشاغل به پنج گروه تقسیم شدند؛ اما پس از جمع‌آوری داده‌ها با عنایت به تنوع اندک مشاغل در جامعه آماری، به سه دسته ذیل تقسیم شدند:

مشاغل پایین و بسیار پایین شامل: کارکنان رده‌پایین بخش خصوصی و دولتی با مدارک سیکل و پایین‌تر (مثل سرایدار، نگهبان و ...) فروشنده‌گان دوره‌گرد بدون ماشین، کشاورزان، باغداران و دامداران جزء که این شغل کفاف زندگیشان را نمی‌دهد و شغل یا منبع درآمد جزئی دیگری دارند، کارگران، افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی، بیکاران و ...

مشاغل متوسط شامل: کارمندان بخش خصوصی یا دولتی با مدارک دیپلم تا لیسانس، رانندگان با وسایل نقلیه شخصی، کاسبانی که بیش از یک کارگر برای آنها کار می‌کند، کشاورزان خرده‌مالک، دامداران متوسط (بیش از ۲۰۰ رأس گوسفند یا ۱۰ رأس گاو)، باغداران متوسط (بیش از یک دهم هکتار یا یک هکتار باغ)، شاغلان در کویت، دبی و ... برای کار، تکنسین‌ها صاحبان حرف و ...

مشاغل بالا و عالی شامل: کارمندان عالقدر بخش خصوصی یا دولتی با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر (مثل مدیرکل، اساتید دانشگاه، رئیس ادارات) مهندسين، پزشکان، عمده‌فروشان، کشاورزان، دامداران و باغداران بزرگ و ...

۳- همانطور که در این جدول ملاحظه می‌شود، متغیرهای سن و قشر که در جدول شماره ۱۱ رابطه معناداری با متغیر وابسته داشتند، از معادله رگرسیون خارج شده‌اند. علت این است که وقتی متغیرها به صورت تک‌تک با متغیر وابسته آزمون می‌شوند، به دور از اثر دیگر متغیرها، با هم، اثر برخی خنثی می‌شود. لذا در جدول شماره ۲، اثر دو متغیر سن و قشر ذهنی در دیگر متغیرها مستتر مانده و این دو متغیر از آزمون رگرسیون به طور خودکار حذف شده است.

منابع فارسی

- توسلی، غلامعباس؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- رفیعی‌پور، فرامرز؛ کندوکاوها و پنداشتها؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- لینل، دانیال؛ تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع؛ ترجمه عبدالکریم سروش؛ تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۳/۱۹۹۱.

منابع انگلیسی

- Dean g. Dwight. 1969. *dynamic social psychological*. Newyork: rondon house.
- Jhonston. r. j. 1994. *thy. Dictionary. Of. human. geography*. Cambridge: Blackwell. Published.
- Lukes. Steven. 1939 *alinantio and anomie newyork*: routelege.
- Merton. Robert. K. 1969. *social rheory and social stracture*: newyork. The free press.
- Phl. J. stepen "Imuge of deviance and social sociological history", 1985. un. Published Mc Graw.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی